

بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود: مورد مطالعه اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰ امید پورحیدری*، حمیده شفیعی همت‌آباد**

چکیده

امروزه مقوله مدیریت سود، توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است، به طوری که محققین بیشتر به دنبال دلایل و انگیزه‌های مدیریت سود می‌باشند. یکی از دلایل مدیریت سود، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها است. هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیات شرکت‌ها بر مدیریت سود، با توجه به اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰ است. بدین منظور، نمونه‌ای متشکل از ۶۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ بررسی شده است. معیار استفاده‌شده برای اندازه‌گیری مدیریت سود، ارقام تعهدی اختیاری می‌باشد. خصوصیات مربوط به شرکت که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند شامل: اندازه، اهرم مالی، نرخ رشد و نوع مالکیت شرکت می‌باشد.

نتایج تحقیق، بیانگر این است شرکت‌ها قبل از کاهش نرخ مالیات، برای کاهش هزینه‌های مالیاتی خود به مدیریت سود کاهشی پرداختند. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که شرکت‌های با اهرم مالی پایین، قبل از کاهش نرخ مالیات برای کاهش هزینه‌های مالیاتی از مدیریت سود کاهشی استفاده نمودند. نتایج مربوط به نرخ رشد و ارقام تعهدی اختیاری نیز نشان داد که شرکت‌های با نرخ رشد پایین قبل از کاهش نرخ مالیات از مدیریت سود کاهشی استفاده کردند. همچنین نتایج نشان داد که بین نوع مالکیت شرکت (خصوصی یا دولتی بودن) و مدیریت سود و همچنین بین اندازه شرکت و ارقام تعهدی اختیاری قبل از کاهش نرخ مالیات رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: ارقام تعهدی اختیاری، مالیات بر درآمد، مدیریت سود

* دانشیار حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۸

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۴/۲۷

نویسنده مسئول: حمیده شفیعی همت‌آباد

Email: hamideshafiei@gmail.com

مقدمه

مدیران برای دستیابی به منافع خود نظیر؛ پاداش، حفظ موقعیت شغلی، نمایش بهتر عملکرد شرکت، دریافت وام، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، انعقاد قراردادهای مختلف و صرفه‌جویی‌های مالیاتی، سود شرکت را دستکاری می‌کنند. دستکاری سود همیشه به معنای بیشتر از واقع نشان دادن سود نمی‌باشد، بلکه برخی مواقع مدیران ترجیح می‌دهند که تا از طریق کاهش سود، مانع خروج وجه نقد اضافی از شرکت به دلیل پرداخت سود سهام یا پرداخت مالیات شوند. این عمل مدیران نیز به عنوان مدیریت سود شناخته می‌شود.

از جمله عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌هاست. انگیزه استفاده از مدیریت سود با استفاده از مالیات را می‌توان به نرخ‌های مالیاتی نسبت داد. هر چه نرخ‌های مالیاتی بالاتر باشد، هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها بیشتر و در نتیجه مالیات‌های پرداختی شرکت افزایش می‌یابد، که در این صورت تمایل مدیران به استفاده از اقدام تعهدی اختیاری بیشتر برای کاهش سود بیشتر می‌شود. تغییر در قوانین مالیاتی شرکت‌ها، می‌تواند تغییرات در سیاست‌های مدیریت سود را به همراه داشته باشد.

در سال‌های گذشته اصلاحات مکرری در قانون مالیات‌های مستقیم در ایران صورت گرفته است که آخرین اصلاحات مربوط به تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ است. از اصلاحات انجام شده در ارتباط با مالیات بر درآمد شرکت‌ها، تغییر نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی است. قبل از اصلاحیه، جمع درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی پس از کسر مالیات به نرخ ۱۰ درصد که به عنوان مالیات شرکت محاسبه و وصول می‌شد، بقیه درآمدها کلاً به نرخ ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم ایران، با توجه به سود متعلق به هر سهامدار، مشمول مالیات می‌شد که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، مشمول ۱۰ درصد، تخفیف می‌شدند. طبق مقررات جدید، بر جمع درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها نرخ ثابت ۲۵ درصد مالیات گرفته می‌شود و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پس از کسر ۱۰ درصد تخفیف، به نرخ ۲۲/۵ درصد مالیات پرداخت می‌کنند (ق م م، ۱۳۸۰).

با توجه به کاهش نرخ‌های مالیاتی در سال ۱۳۸۰ انتظار می‌رود شرکت‌های ایرانی برای سال قبل از کاهش نرخ، به مدیریت سود (کاهشی) دست بزنند و سودهای خود را برای کمتر پرداخت کردن مالیات کاهش دهند و آن‌ها را به سال‌های بعد از اجرای قانون مالیات انتقال دهند. از این رو مقاله حاضر در نظر دارد رفتار شرکت‌های ایرانی در مورد پدیده مدیریت سود را قبل از قانون کاهش نرخ مالیات بر درآمد سال ۱۳۸۰ و بعد از آن مورد

بررسی قرار دهد تا تأثیر نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت را روی پدیده مدیریت سود مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

مالیات بر درآمد شرکت‌ها، به عنوان مهم‌ترین جزء مالیات‌های مستقیم، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و اقتصاددانان بوده است و منبع آن، سود و درآمد اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی است که بیشتر به صورت سالانه بر درآمد اشخاص حقوقی وضع می‌شود. از آنجایی که درآمد دولت‌ها عمدتاً ناشی از اعمال این نوع مالیات است، لذا دولت‌ها سعی دارند نرخ مالیات را به طور مناسبی وضع کنند. این نوع مالیات بر سود شرکت‌ها وضع می‌شود و سهم قابل توجهی از هزینه‌های دولتی را تأمین می‌کند.

در کشورهای توسعه‌یافته، مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی سهم زیادی از کل درآمدهای مالیاتی کشور را تشکیل می‌دهد. نرخ این مالیات در کشورهای گوناگون متفاوت است و ممکن است تصاعدی باشد که همراه با افزایش درآمد، مالیات نیز اضافه می‌شود و یا به صورت مقطوع اعمال می‌شود. تجربه نشان می‌دهد، وضع نرخ مقطوع در مورد مالیات بر درآمد شرکت‌ها در کشورهای جهان از مقبولیت بیشتری برخوردار است و بیشتر کشورها از روش نرخ مقطوع استفاده می‌کنند (گرامی، ۱۳۸۴).

تا قبل از تصویب اصلاحیه قانون مالیات‌های ۱۳۸۰ در ایران، نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی بر اساس ماده ۱۳۱ بالغ بر ۶۴ درصد بود و نحوه محاسبه آن بدین شکل بود که بعد از کسر مالیات با نرخ ۱۰ درصد که به عنوان مالیات شرکت محاسبه و وصول می‌شد، بقیه درآمدها را تا نرخ ۵۴ درصد به صورت تصاعدی با توجه به جدول ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم، مشمول مالیات می‌شد. کاهش سرمایه‌گذاری‌ها و همچنین محاسبات پیچیده و وقت‌گیر برای محاسبه مالیات بر درآمد شرکت‌ها، تقاضای حذف نرخ تصاعدی مالیات بر درآمد شرکت‌ها و ثابت کردن این نرخ مالیاتی در سطوح پایین‌تر را مطرح کرد. تا اینکه اصلاحیه لایحه نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها در ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ تصویب شد. بر اساس این اصلاحیه و بر طبق ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم جمع در آمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود، پس از کسر زیان‌های حاصل از منابع غیرمعاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه، مشمول مالیات به نرخ ۲۵ درصد خواهند بود.

مدیریت سود مفهومی برگرفته از اندیشه اثرگذاری پدیده‌های غیرمالی بر گزارش‌های

حسابداری است. مدیریت سود به مداخله مدیریت در فرایند اندازه‌گیری سود اطلاق می‌شود. ادبیات تحقیق مدیریت سود فاقد تعریفی پذیرفته‌شده از مدیریت سود است. هیلی و وال^۱ (۱۹۹۹)، بیان می‌کنند که مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را برای تغییر گزارشگری مالی دستکاری نمایند. این هدف یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی است.

مهم‌ترین تفاوتی که بین تقلب و مدیریت سود وجود دارد این است که تقلب ناشی از تخطی از اصول پذیرفته‌شده حسابداری است، اما مدیریت سود ناشی از برخی قضاوت‌ها و برآوردهای مجاز توسط مدیر است که بر اساس اصول پذیرفته‌شده حسابداری انجام می‌شود (اسکات، ۲۰۰۳). در مجموع شواهد نشان می‌دهد مدیریت سود رویه عمومی بین شرکت‌ها است به طوری که اخیراً به عنوان یکی از اولویت‌های کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا تبدیل شده است.

رحمانی (۱۳۸۹) به نقل از جکسون و پیت من، بیان می‌کند که انگیزه در قلب مدیریت سود قرار دارد. در نبود انگیزه‌های خاص، مدیران صرفاً با قصد گزارشگری منصفانه عملکرد، اقدام به قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های حسابداری می‌کنند؛ اما در موقعیت‌های مختلف، انگیزه‌های اقتصادی اغواکننده‌ای برای مدیران وجود دارد که به مدیریت سود پردازند؛ زیرا ارزش شرکت و ثروت مدیران و مالکان آن به شکل تفکیک ناپذیری به سودهای گزارش شده مرتبط است.

بر اساس مطالعات انجام گرفته، مهم‌ترین انگیزه‌های مدیریت سود عبارتند از: انگیزه‌های پاداش، انگیزه‌های قراردادی (اعم از توافق‌نامه با اشخاص ثالث، توافق‌های مخفی و یا قراردادهای حق‌الزحمه)، انگیزه‌های سیاسی، انگیزه‌های مالیاتی، عرضه اولیه سهام به عموم و تغییر مدیران به ویژه مدیرعامل (اسدی و منتی، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های زیادی در مورد عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود در کشورهای گوناگون انجام گرفته است. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود در شرکت‌ها می‌توان به اندازه شرکت، نسبت بدهی به سرمایه، پاداش مدیریت و نرخ مالیات اشاره کرد.

بر اساس نتایج محققان، مدیران برای کاهش پرداخت‌های مالیاتی، سود را مدیریت می‌کنند. قوانین مالیاتی عامل مهمی در انتخاب روش‌ها و رویه‌های حسابداری می‌باشد. انگیزه شرکت‌ها برای هموار کردن سود حداقل نمودن تأثیر مالیات در طول زمان می‌باشد. از آنجا که سود بیشتر شرکت منجر به پرداخت مالیات بیشتر و خروج نقدینگی می‌شود،

خصوصاً در مواقعی که شرکت دارای بدهی‌های مالیاتی قابل توجهی می‌باشد، مدیر انگیزه دارد دست به مدیریت سود بزند. بر اساس فرضیه صرفه‌جویی‌های مالیاتی، مدیران، از ارقام تعهدی برای کمتر کردن مالیات شرکت‌ها استفاده می‌نمایند. انگیزه‌ی استفاده از مدیریت سود با استفاده از مالیات را می‌توان به نرخ‌های مالیاتی نسبت داد. هر چه این نرخ بالاتر باشد، تمایل به استفاده از روش‌های کاهنده سود، توسط مدیران شرکت‌ها بیشتر می‌شود (گوان، ۲۰۰۱).

شرکت‌ها به دنبال هر گونه کاهش در نرخ مالیات بر درآمد، خواهان انتقال سود به دوره‌هایی هستند که در آن دوره‌ها نرخ مالیات بر درآمد کاهش می‌یابد؛ یعنی با اعلام کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت، سودهای خود را در سالهای با نرخ مالیاتی بالا به سالهای با نرخ مالیات پایین انتقال می‌دهند. بررسی‌های انجام شده در کشورهای غربی حاکی از انجام این کار توسط شرکت‌های غربی می‌باشد، به طوری که شرکت‌های این کشورها به محض دریافت اطلاعاتی حاکی از کاهش نرخ‌های مالیات در سالهای بعد، سود شرکت‌های خود را در سال‌هایی که نرخ مالیات در آن‌ها زیاد است، تا آنجایی که امکان دارد، کاهش و به سال‌های بعد از کاهش نرخ انتقال می‌دهند.

با توجه به مطالب گفته شده و کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها در سال ۱۳۸۰، سؤال اول تحقیق اینگونه مطرح می‌شود:

۱) آیا مدیران شرکت‌ها، سود شرکت‌های خود را قبل از کاهش نرخ مالیات بر درآمد کاهش داده‌اند؟

عوامل متعددی در مدیریت سود شرکت‌ها قبل از کاهش نرخ مالیات موثر می‌باشد از جمله این عوامل می‌توان به اندازه، اهرم مالی، نرخ رشد و نوع مالکیت شرکت‌ها اشاره کرد.

شرکت‌های بزرگ بیشتر مورد توجه دولت و عموم مردم قرار دارند، زیرا نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشور ایفا می‌کنند، بنابراین این شرکت‌ها از حساسیت‌های سیاسی بیشتری برخوردارند و در نتیجه مدیریت شرکت تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های محافظه‌کارانه و فزاینده سود، جهت کاهش حساسیت‌های سیاسی دارد درحالی‌که شرکت‌های کوچک از این حساسیت سیاسی برخوردار نیستند (واتز و زیمرمن، ۱۹۷۸)؛ بنابراین دومین سؤال تحقیق این‌طور بیان می‌شود:

۲) آیا تمایل مدیران به استفاده از روش‌های کاهنده سود، قبل از کاهش نرخ مالیات، با کاهش اندازه شرکت افزایش می‌یابد؟

یکی دیگر از دلایلی که شرکت‌ها به سبب آن، رو به مدیریت سود می‌آورند، بالا بودن

اهرم مالی شرکت می‌باشد. مدیران شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، برای رعایت شروط قراردادهای تأمین مالی و نشان دادن عملکرد مطلوب شرکت به دستکاری سود می‌پردازند، زیرا مدیران اینگونه شرکت‌ها برای راضی نگه‌داشتن اعتباردهندگان باید سوددهی مناسبی داشته باشند، بنابراین مدیران این شرکت‌ها تمایل کمتری به کاهش سود شرکت‌های خود برای کمتر پرداختن هزینه‌های مالیاتی دارند از این رو، سؤال تحقیق این گونه مطرح می‌شود:

(۳) آیا تمایل مدیران به استفاده از روش‌های کاهنده سود، قبل از کاهش نرخ مالیات، با کاهش اهرم مالی شرکت افزایش می‌یابد؟

نرخ رشد شرکت از دید بازار سرمایه، متغیر مهمی محسوب می‌شود. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌هایی که نرخ رشد بالایی دارند در گزارشگری عملکرد خود متهورانه عمل کرده و سوددهی خود را همیشه بالا نشان می‌دهند که با این کار سرمایه‌گذاران بیشتری را به خود جلب کنند. نرخ رشد بالا مانع از این می‌شود که شرکت‌ها به هر دلیلی سود خود را کاهش دهند، در نتیجه انگیزه مدیران قبل از کاهش نرخ مالیات بر درآمد، برای کاهش سود شرکت‌ها، در کاهش هزینه‌های مالیاتی کمتر می‌باشد؛ بنابراین با توجه به توضیحات فوق چهارمین سؤال اینگونه مطرح می‌شود:

(۴) آیا تمایل مدیران به استفاده از روش‌های کاهنده سود، قبل از کاهش نرخ مالیات، با کاهش نرخ رشد شرکت افزایش می‌یابد؟

شرکت‌های دولتی از آن‌جا که مالک اصلی دولت است و مالیاتی که بر سود این شرکت‌ها تعلق می‌گیرد نیز از آن دولت می‌باشد، مدیران آن‌ها از انگیزه کمتری برای کاهش سود شرکت‌های تحت مدیریت خود در سال قبل از کاهش نرخ مالیات، برای کاهش دادن هزینه‌های مالیاتی خود دارند، ولی مدیران شرکت‌های غیردولتی از تمامی شرایط و امکانات، برای کاهش هزینه‌های مالیاتی خود استفاده می‌کنند. آن‌ها می‌توانند از فرصت کاهش نرخ مالیات استفاده کرده و سود شرکت را به سالهای بعد از این کاهش نرخ انتقال دهند تا هزینه‌های مالیاتی شرکت خود را کاهش دهند. در این راستا با توجه به توضیحات گفته‌شده پنجمین سؤال اینگونه مطرح می‌شود:

(۵) آیا تمایل مدیران شرکت‌های غیردولتی به استفاده از روش‌های کاهنده سود، قبل از کاهش نرخ مالیات، افزایش می‌یابد؟

پیشینه

فیلیس و همکاران^۲ (۲۰۰۲)، به بررسی سودمندی هزینه‌های معوق مالیاتی در مقایسه با

اقدام تعهدی، برای شناسایی و اندازه‌گیری مدیریت سود پرداختند. آن‌ها معتقد بودند؛ زمانی که مدیریت سود با استفاده از کاهش سود انجام نمی‌گیرد هزینه‌های معوق مالیاتی به طور فزاینده‌ای برای اندازه‌گیری مدیریت سود مفید می‌باشند. آن‌ها شرکت‌های نمونه را برای دوره ۶ ساله ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۰ مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تحقیقات آن‌ها نشان داد، هزینه‌های معوق مالیاتی در شناسایی فعالیت‌های مدیریت سود در مقابل کل اقدام تعهدی و اقدام تعهدی اختیاری که از دو مدل جونز و جونز تعدیل شده بدست می‌آیند، سودمندی بیشتری دارند.

دالیوال و همکاران^۳ (۲۰۰۴)، در پژوهشی با عنوان آخرین تغییرات مدیریت سود: استفاده از هزینه مالیات برای پیش‌بینی‌های تحلیلگران به بررسی اینکه آیا هزینه مالیات بر درآمد برای رسیدن به اهداف مورد نظر سود شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد یا خیر، پرداختند. بعد از اینکه شرکت‌ها با تعدیلات مربوط به سود قبل از مالیات که مورد نظر حساب‌برسان است موافقت کردند، هزینه‌های مالیاتی را به عنوان فرصتی برای رسیدن به اهداف مورد نظر سود مورد توجه قرار می‌دهند و از آنجایی که هزینه‌های مالیاتی پیچیدگی و اختیار لازم برای عدم تقارن اطلاعات را دارند پس می‌توانند به عنوان یک عامل قوی برای مدیریت سود در گستره وسیعی از شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرند. دوره زمانی تحقیق آن‌ها از سال ۱۹۸۶ تا سال ۱۹۹۹ بود. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها وقتی موفق نمی‌شوند از اقدام تعهدی برای مدیریت سود استفاده کنند از هزینه مالیات به عنوان یک ذخیره برای مدیریت سود استفاده می‌کنند. به طوری که شرکت‌های با اقدام تعهدی بالاتر، احتمال اینکه از هزینه‌های مالیاتی برای مدیریت سود استفاده کنند، بیشتر است.

یاماشیتا و همکاران^۴ (۲۰۰۷)، در پژوهشی تحت عنوان آیا شرکت‌های ژاپنی سود خود را در پاسخ به کاهش نرخ مالیات در اواخر ۱۹۹۰ مدیریت می‌کنند، به بررسی مدیریت سود شرکت‌های ژاپنی در سال ۱۹۹۹، با توجه به کاهش نرخ مالیات از ۳۷.۷ درصد به ۳۰ درصد در سال ۱۹۹۹ پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که شرکت‌ها در سال قبل از کاهش نرخ مالیات به طور قابل توجهی از اقدام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند، یعنی مدیران شرکت‌های ژاپنی به محض دریافت اطلاعاتی حاکی از کاهش نرخ مالیات، به مدیریت سود شرکت‌های خود در سال قبل از کاهش نرخ مالیات برای پرداخت کمتر مالیات می‌پردازند.

گوان و پورجلالی^۵ (۲۰۱۰)، در تحقیقی تحت عنوان اثر محیط فرهنگی و مقررات حسابداری بر مدیریت سود، به بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و مدیریت سود در ۲۷ کشور جهان پرداختند. در این تحقیق از مدل جونز تعدیل یافته برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری (شاخص مدیریت سود) استفاده شده است. از آن جا که تعیین نرخ واقعی مالیات (تعیین نرخ مالیات بدون در نظر گرفتن مدیریت سود) امکان‌پذیر نمی‌باشد، از میانگین نرخ مؤثر مالیاتی که بر اساس کل مالیات پرداختی شرکت و کل درآمد مشمول مالیات شرکت محاسبه می‌شود، استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که هرچه این نرخ بالاتر باشد، تمایل به استفاده از روش‌های کاهنده سود، توسط مدیران شرکت‌ها بیشتر می‌شود.

نوروش و همکاران (۱۳۸۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران به بررسی مدیریت سود در ۹۰ شرکت بورس اوراق بهادار تهران که به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق آن‌ها مدیریت سود توسط شرکت‌های بورسی را تأیید می‌کند. یافته‌های آن‌ها نشان داد مدیران شرکت‌های بزرگ از اقلام تعهدی برای به حداقل رساندن مالیات شرکت استفاده می‌کنند و نرخ مؤثر مالیاتی بالا، تمایل مدیران به استفاده از مدیریت سود منفی در شرکت‌ها را افزایش می‌دهد.

فرضیه‌ها

فرضیه اول: مدیران سود شرکت‌های خود را قبل از کاهش نرخ مالیات بر درآمد کاهش می‌دهند.

فرضیه دوم: استفاده از روش‌های کاهنده سود توسط شرکت، قبل از کاهش نرخ مالیات، با کاهش اندازه شرکت بیشتر می‌شود.

فرضیه سوم: استفاده از روش‌های کاهنده سود توسط مدیران، قبل از کاهش نرخ مالیات، با کاهش اهرم مالی شرکت افزایش می‌یابد.

فرضیه چهارم: استفاده از روش‌های کاهنده سود توسط شرکت، قبل از کاهش نرخ مالیات، با کاهش نرخ رشد شرکت افزایش می‌یابد.

فرضیه پنجم: استفاده از روش‌های کاهنده سود توسط شرکت‌های غیردولتی، قبل از کاهش نرخ مالیات افزایش می‌یابد.

مدل و متغیرها

در این پژوهش به علت وجود بیش از یک متغیر مستقل در مدل تحقیق، از رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر می‌باشد:

$$DAC_{it} = \lambda_0 + \lambda_1 SIZE_{it} + \lambda_2 LEVERAGE_{it} + \lambda_3 PRIVATE_{it} + \lambda_4 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن:

DAC_{it} : ارقام تعهدی اختیاری؛

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت؛

$LEVERAGE_{it}$: اهرم مالی شرکت؛

$GROWTH_{it}$: نرخ رشد شرکت؛ و

$PRIVATE_{it}$: نوع مالکیت شرکت می‌باشد.

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، ارقام تعهدی اختیاری است.

ارقام تعهدی اختیاری

ارقام صورت‌های مالی به دو بخش نقدی و تعهدی تقسیم می‌شوند. مدیران واحدهای تجاری ارقام نقدی صورت‌های مالی را نمی‌توانند دستکاری نمایند. بخش تعهدی ارقام صورت‌های مالی نیز به دو گروه ارقام تعهدی اختیاری و ارقام تعهدی غیر اختیاری قابل تقسیم می‌باشند. تمام ارقام تعهدی صورت‌های مالی قابل دستکاری نیستند، تنها ارقام تعهدی اختیاری به وسیله مدیریت قابل دستکاری می‌باشند؛ بنابراین مدیران از طریق دستکاری ارقام تعهدی اختیاری سود را مدیریت می‌کنند. به عبارتی، ارقام تعهدی اختیاری ارقامی هستند که مدیریت بر آن‌ها کنترل دارد و می‌تواند آن‌ها را به تأخیر اندازد، یا حذف کند و یا ثبت و شناسایی آن‌ها را تسریع کند. از آنجایی که ارقام تعهدی اختیاری در اختیار و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از ارقام تعهدی به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۴).

برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری می‌توان روش‌های متعددی مانند مدل جونز^۶

(۱۹۹۱) و مدل جونز تعدیل شده^۷ (۱۹۹۴) استفاده کرد، اما چون در این مدل‌ها ما به داده‌های سری زمانی ۱۰ ساله و بیشتر نیاز داریم و از آنجایی که این داده‌ها برای برآورد پارامترهای مدل در ایران موجود نمی‌باشد، لذا در این تحقیق از مدل تغییر یافته دچو و دچو^۸ (۲۰۰۲) استفاده شده است که به داده‌های کمتری نیاز دارد. مدل دچو و دچو نوع صنعت را برای اندازه‌گیری و بررسی مدیریت سود در نظر می‌گیرد. برآورد مدل در سطح سال-صنعت، علاوه بر در نظر گرفتن نوع صنعت، به داده‌های سری زمانی کمتری احتیاج دارد.

این مدل به شرح زیر می‌باشد:

$$TCA_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it-1} + \beta_2 CFO_{it} + \beta_3 CFO_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

که در آن:

TCA_{it} : جمع ارقام تعهدی شرکت i در سال t است که با استفاده از رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$TCA_{it} = \Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it} - \Delta CL_{it} + STD_{it} - DEP_{it} \quad (3)$$

ΔCA_{it} : تغییر دارایی‌های جاری طی سالهای t و $t-1$ برای شرکت i

$\Delta CASH_{it}$: تغییر وجه نقد طی سالهای t و $t-1$ برای شرکت i

ΔCL_{it} : تغییر بدهی‌های جاری طی سالهای t و $t-1$ برای شرکت i

STD_{it} : حصه جاری بدهی‌های بلندمدت شرکت i در سال t

DEP_{it} : استهلاک دارایی ثابت مشهود و نامشهود شرکت i در سال t

CFO_{it} : جریان نقدی عملیاتی شرکت i در سال t

ΔREV_{it} : تغییر در فروش خالص طی سالهای t و $t-1$ برای شرکت i

PPE_{it} : ارزش خالص دارایی ثابت مشهود شرکت i در سال t

ε_{it} : خطای تخمین (باقیمانده‌های حاصل از رگرسیون)

به منظور همگن کردن اطلاعات در سطح شرکت‌ها با اندازه‌های مختلف، کاهش ناهمسانی واریانس در باقیمانده مدل (جمله پسماند) و همچنین کوچک تر شدن اعداد و ارقام و سهولت محاسبات، تمامی متغیرهای دو طرف معادله به مجموع دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است. ε_{it} باقی مانده حاصل از مدل رگرسیون است که برابر ارقام تعهدی

اختیاری است و معیار اندازه‌گیری شاخص مدیریت سود می‌باشد.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند شامل اندازه اهرم مالی، نرخ رشد و نوع مالکیت شرکت‌ها می‌باشند.

اندازه (SIZE)

در این پژوهش از ارزش مجموع فروش شرکت طی به عنوان مبنای تعیین ارزش شرکت و نهایتاً لگاریتم آن به عنوان متغیر اندازه شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (LEV)

مدیران شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، برای رعایت شروط قراردادهای تأمین مالی و راضی نگهداشتن اعتباردهندگان، باید وضعیت مطلوبی از عملکرد شرکت در سال جاری داشته باشند، بنابراین مدیران این شرکت‌ها کمتر از مدیریت سود کاهشی استفاده می‌کنند. در این پژوهش برای محاسبه اهرم مالی از نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها شرکت استفاده شده است.

نرخ رشد (GROWTH)

برای اندازه‌گیری رشد شرکت، شاخص‌های متفاوتی از جمله شاخص رشد فروش و شاخص رشد سود وجود دارد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری نرخ رشد شرکت از شاخص رشد فروش استفاده شده است.

نوع مالکیت (PRIVATE)

در این پژوهش نوع مالکیت شرکت بوسیله ترکیب اعضای هیات مدیره مشخص شده است؛ به این ترتیب که تعداد اعضای بخش خصوصی هیات مدیره شرکت به تعداد کل اعضای هیات مدیره تقسیم می‌شود.

روش شناسی

این تحقیق از جهت همبستگی و روش شناسی، از نوع شبه تجربی و پس رویدادی است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و داده‌های گذشته شرکت‌های پذیرفته شده در

بورس اوراق بهادار تهران تجزیه و تحلیل شده است. اطلاعات واقعی مربوط به شرکت‌ها از پایگاه اطلاعاتی نظیر تدبیر پرداز و همچنین صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و گزارش مجامع عمومی شرکت‌ها استخراج گردیده است.

نمونه

نمونه مورد بررسی شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که با اعمال محدودیت‌های زیر انتخاب شده‌اند:

- ۱- شرکت قبل از سال ۱۳۷۳ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشد و تا پایان سال ۱۳۸۲ از فهرست شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار حذف نشده باشند.
 - ۲- شرکت طی دوره زمانی تحقیق، تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - ۳- برای برآورد مدل تحقیق، داده‌های مورد نیاز موجود باشد.
 - ۴- فعالیت شرکت‌ها تولیدی باشد و جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.
 - ۵- به لحاظ قابلیت مقایسه، دوره مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.
- پس از حذف شرکت‌های فاقد شرایط مذکور، هر صنعت-گروه باید حداقل پنج عضو داشته باشد تا با استفاده از آن‌ها بتوان، پارامترهای مدل رگرسیون را برای هر صنعت برآورد کرد؛ بنابراین با توجه به شرایط گفته‌شده ۶۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران واجد شرایط شناخته شدند و نمونه آماری را تشکیل دادند.

قلمرو زمانی

لایحه اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم در آذر سال ۱۳۷۹ توسط دولت به مجلس تقدیم شد و نهایتاً در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شد. طبق ماده ۲۷۳ اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، تاریخ اجرای این قانون از اول سال ۱۳۸۱ و برای اشخاص حقوقی که شروع سال مالی آن‌ها ۱۳۸۰/۱/۱ بود از لحاظ ترتیب رسیدگی و نرخ مالیاتی نیز قابلیت اجرایی داشت. قانون مالیات‌های مستقیم در ۱۳ اسفندماه ۱۳۸۰ به شرکت‌ها ابلاغ شد. در این تحقیق داده‌ها برای سالهای ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا رفتار شرکت‌ها در برخورد با این اصلاحیه مورد بررسی قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق حاضر برای سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ برای ۶۵ شرکت مورد بررسی در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرها

سال	متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱۳۷۹	اقلام تعهدی اختیاری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۹۳	-۰/۲۲۴	۰/۲۴۲
	اندازه شرکت	۱۲/۲۰۱	۱۲/۲۴۰	۱/۱۰۹	۱۰/۱۰۷	۱۵/۹۸۱
	اهرم مالی	۰/۷۱۰	۰/۷۱۴	۰/۱۳۰	۰/۴۵۰	۱/۰۰۰
	نرخ رشد شرکت	۰/۲۱۴	۰/۲۱۵	۰/۲۵۸	-۰/۹۰۸	۰/۷۰۳
	نوع مالکیت شرکت	۱/۰۰۰	۰/۹۳۰	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۸۰	اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۹	۰/۰۸۲	-۰/۳۰۸	۰/۱۷۱
	اندازه شرکت	۱۲/۴۰۲	۱۲/۵۰۸	۱/۲۷۲	۹/۱۰۳	۱۶/۸۵۴
	اهرم مالی	۰/۷۱۸	۰/۷۱۳	۰/۱۶۴	۰/۳۶۰	۱/۳۵۰
	نرخ رشد شرکت	۰/۱۶۴	۰/۱۹۴	۰/۳۶۰	-۰/۹۷۲	۲/۰۰۶
	نوع مالکیت شرکت	۱/۰۰۰	۰/۹۳۱	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
۱۳۸۱	اقلام تعهدی اختیاری	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۱۱۰	-۰/۲۲۷	۰/۴۳۵
	اندازه شرکت	۱۲/۵۴۲	۱۲/۵۰۷	۱/۴۳۹	۵/۶۸۰	۱۶/۷۴۹
	اهرم مالی	۰/۷۴۰	۰/۷۱۲	۰/۱۴۳	۰/۳۶۰	۱/۲۳۰
	نرخ رشد شرکت	۰/۱۸۰	۰/۲۰۸	۰/۳۲۱	-۰/۶۱۸	۱/۴۵۰
	نوع مالکیت شرکت	۱/۰۰۰	۰/۹۰۳	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰

جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای تحقیق را برای سالهای پیش‌بینی شده ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. مطابق این جدول، میانگین اقلام تعهدی اختیاری در سال ۱۳۸۰، برابر ۰/۰۱۵- است در حالی که در سال ۱۳۷۹، برابر ۰/۰۰۰ و در سال ۱۳۸۱ نیز برابر ۰/۰۰۰ است که نشان دهنده کاهش اقلام تعهدی اختیاری در سال ۱۳۸۰ نسبت به سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ است. دلیل کاهش اقلام تعهدی اختیاری در سال ۱۳۸۰ نسبت به سالهای دیگر، استفاده مدیران شرکت‌ها، از اقلام تعهدی اختیاری برای مدیریت سود منفی، به دلیل اصلاحیه کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها در سال ۱۳۸۰ بود. به دلیل آگاه نبودن شرکت‌ها از زمان اجرای اصلاحیه قانون مالیات‌ها و تصویب شدن این قانون در اواخر سال ۱۳۸۰، شرکت‌ها به دلیل اینکه کاهش نرخ مالیات در سالهای آتی اجرایی می‌شود در سال ۱۳۸۰ به مدیریت سود کاهشی پرداختند و نهایتاً زمانی که این قانون اجرایی شد شرکت‌ها با عمل انجام شده روبه‌رو شدند.

جدول (۲)، نتایج برآورد شده حاصل از مدل تحقیق را برای سالهای ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود، ضریب تعیین تعدیل شده

برای سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به ترتیب برابر؛ ۰/۲۸۸، ۰/۳۳۰ و ۰/۰۷۴ می‌باشد که بیشترین ضریب تعیین تعدیل شده مربوط به سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ است. ضریب تعیین تعدیل شده بیانگر درصدی از تغییرات متغیر وابسته (اقلام تعهدی اختیاری) است که توسط متغیرهای مستقل (اندازه شرکت، اهرم مالی، نرخ رشد شرکت و نوع مالکیت شرکت) توضیح داده شده است.

همچنین مطابق یافته‌های جدول ۲، مشاهده می‌شود که آماره F به دست آمده برای مدل تحقیق، در سال ۱۳۷۹، برابر ۵/۷۶۶ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۰۰)، کل مدل برای سال ۱۳۷۹ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. کل مدل تحقیق برای سال ۱۳۸۰ نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار می‌باشد.

جدول ۲: نتایج حاصل از برازش مدل تحقیق برای سالهای ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱

$u_{ip} = \lambda_0 + \lambda_1 \text{SIZE}_{it} + \lambda_2 \text{LEVERAGE}_{it} + \lambda_3 \text{GROWTH}_{it} + \lambda_4 \text{PRIVATE}_{it} + \varepsilon_{it}$						
نوع مالکیت شرکت (Pri)	نرخ رشد شرکت (Growth)	اهرم مالی (Lev)	اندازه شرکت (Size)	ضریب ثابت (λ_0)	علامت مورد انتظار	
-	+	+	+	-	علامت مورد انتظار	سال ۱۳۷۹
۰/۰۹۶	۰/۰۸۴	۰/۲۱۶	۰/۰۰۸	-۰/۳۷۴	ضریب متغیر	
۱/۷۱۱	۲/۲۱۱	۲/۹۲۳	۰/۷۴۶	-۲/۳۶۵	آماره t	
۰/۰۹۳	۰/۰۳۱	۰/۰۰۵	۰/۴۵۹	۰/۰۲۲	سطح معناداری t	
آماره F: ۵/۷۶۶				ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۸۸		
سطح معناداری F: ۰/۰۰۰				آماره دوربین واتسون: ۲/۱۳۸		
-	+	+	+	-	علامت مورد انتظار	سال ۱۳۸۰
۰/۰۳۶	۰/۰۵۷	۰/۲۱۷	۰/۰۱۶	-۰/۳۹۱	ضریب متغیر	
۰/۶۹۵	۲/۱۸۳	۳/۶۸۶	۱/۸۷۴	-۳/۰۸۸	آماره t	
۰/۴۹۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۶۶	۰/۰۰۳	سطح معناداری t	
آماره F: ۶/۸۲۰				ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۳۳۰		
سطح معناداری F: ۰/۰۰۰				آماره دوربین واتسون: ۱/۸۰۴		
-	+	+	+	-	علامت مورد انتظار	سال ۱۳۸۱
۰/۱۰۳	۰/۰۶۹	۰/۱۵۶	۰/۰۰۴	-۰/۲۸۴	ضریب متغیر	
۱/۵۷۱	۱/۳۴۵	۱/۵۵۴	۰/۳۶۳	-۱/۷۱۹	آماره t	
۰/۱۲۱	۰/۱۸۳	۰/۱۲۵	۰/۷۱۸	۰/۰۹۱	سطح معناداری t	
آماره F: ۲/۲۸۰				ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۰۷۴		
سطح معناداری F: ۰/۰۷۱				آماره دوربین واتسون: ۱/۹۹۷		

نتایج آزمون فرضیه اول

اولین فرضیه تحقیق حاضر، به بررسی کاهش سود شرکت‌ها، در سال قبل از کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها می‌پردازد. انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌ها در سال قبل از

کاهش نرخ مالیات، سود شرکت خود را کاهش دهند.

همانطور که در جدول ۲، مشاهده می‌شود مقدار ضریب ثابت کل رگرسیون بعد از کنترل اثرات اندازه شرکت، اهرم مالی، نرخ رشد شرکت و نوع مالکیت شرکت برای سال ۱۳۷۹، منفی (۰/۳۷۴-) و همچنین آماره t برابر ۲/۳۶۵- می‌باشد که با توجه به سطح معناداری بدست آمده (۰/۰۲۲)، فرضیه اول تحقیق در رابطه با کاهش سود در سال قبل از کاهش نرخ مالیات، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار عرض از مبدا برای سال ۱۳۸۰ از سال ۱۳۷۹ کمتر می‌باشد، دلیل این امر را می‌توان با توجه به توضیحات داده شده در قسمت قبل این طور تبیین کرد که؛ از آنجا که لایحه کاهش نرخ مالیات در اواخر سال ۱۳۸۰ تصویب شد و شرکت‌ها انتظار اجرایی شدن این قانون را برای سال ۱۳۸۰ نداشتند در سال ۱۳۸۰ به مدیریت سود کاهشی پرداختند.

برای آزمون فرضیه اول تحقیق از آزمون t دو نمونه‌ای مستقل نیز استفاده شده است. آزمون t برای مقایسه میانگین‌های دو نمونه مستقل از داده‌های کمی استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون بیان می‌کند که بین میانگین‌های دو نمونه تفاوتی وجود ندارد و فرضیه مقابل آن، حکم به داشتن اختلاف بین میانگین‌های دو جامعه می‌دهد.

در جدول (۳)، آزمون T برای متغیر اقلام تعهدی اختیاری در سال ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نشان داده شده است.

جدول ۳: نتایج بررسی تفاوت بین میانگین اقلام تعهدی اختیاری در سالهای مختلف

سال	عنوان متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
تفاوت سال ۱۳۷۹ با ۱۳۸۰	میانگین اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۰۲۶	۰/۰۸۱	۰/۰۱۰	-۲/۶۶۸	۶۴	۰/۰۱۰
تفاوت سال ۱۳۷۹ با ۱۳۸۱	میانگین اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۰۰۸	۰/۱۴۱	۰/۰۱۷	-۰/۴۶۸	۶۴	۰/۶۴۱
تفاوت سال ۱۳۸۰ با ۱۳۸۱	میانگین اقلام تعهدی اختیاری	-۰/۰۳۵	۰/۱۲۱	۰/۰۱۵	-۲/۳۲۳	۶۴	۰/۰۲۳

همانطور که در جدول (۳)، مشاهده می‌شود سطح معناداری میانگین اقلام تعهدی اختیاری سال ۱۳۷۹ منهای سال ۱۳۸۰ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 این آزمون رد می‌شود و در نتیجه بین اقلام تعهدی اختیاری سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تفاوت معناداری وجود دارد.

به طور مشابه، سطح معناداری میانگین ارقام تعهدی اختیاری سال ۱۳۸۰ منهای سال ۱۳۸۱ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 این آزمون رد می‌شود و در نتیجه بین ارقام تعهدی اختیاری سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ تفاوت معناداری وجود دارد. برای سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ نتایج آزمون t بیان کننده این است که سطح معناداری میانگین ارقام تعهدی اختیاری سال ۱۳۷۹ منهای سال ۱۳۸۱ بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 این آزمون تأیید می‌شود که بیانگر این است که بین ارقام تعهدی اختیاری سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ تفاوت معناداری وجود ندارد. این آزمون نشان می‌دهد که بیشترین کاهش در ارقام تعهدی اختیاری مربوط به سال تصویب اصلاحیه قانون مالیات‌ها می‌باشد، بنابراین اثبات می‌شود که شرکت‌ها در سال ۱۳۸۰ انتظار اجرای این لایحه برای همان سال را نداشتند و ارقام تعهدی اختیاری خود را به امید اجرای قانون مالیات‌ها برای سال ۱۳۸۱ کاهش دادند.

نتایج آزمون فرضیه دوم

دومین فرضیه تحقیق، به بررسی رابطه بین استفاده از روش‌های کاهنده سود، در سال قبل از کاهش نرخ مالیات و اندازه شرکت می‌پردازد. با توجه به اطلاعات بدست آمده از جدول ۲، ضریب اندازه شرکت برای سال ۱۳۷۹ یعنی سال قبل از کاهش نرخ مالیات برابر ۰/۳۷۴-، می‌باشد که با توجه به آماره t ، (۲/۱۰۹) و سطح معناداری (۰/۴۵۹)، رابطه معناداری بین متغیر اندازه شرکت و ارقام تعهدی اختیاری در سال قبل از کاهش نرخ مالیات وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم

سومین فرضیه، به بررسی رابطه بین استفاده از روش‌های کاهنده سود، در سال قبل از کاهش نرخ مالیات و اهرم مالی شرکت می‌پردازد. با توجه به مقادیر بدست آمده در جدول ۲، ضریب اهرم مالی برای سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰، مثبت می‌باشد. حال با توجه به سطح معناداری بدست آمده برای سال ۱۳۷۹ (۰/۰۰۵) و سال ۱۳۸۰ (۰/۰۰۰)، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که بین ارقام تعهدی اختیاری و اهرم مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و با کاهش اهرم مالی شرکت، ارقام تعهدی اختیاری نیز برای کاهش هزینه‌های مالیاتی شرکت، کاهش می‌یابد. نتایج حاصل از این فرضیه با نتایج بدست آمده از گونشر (۱۹۹۴)،

یاماشیتا و همکاران (۲۰۰۷) و سوواردی (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم

چهارمین فرضیه تحقیق، در رابطه با بررسی ارتباط بین نرخ رشد شرکت و استفاده از روش‌های کاهنده سود، در سال قبل از کاهش نرخ مالیات می‌باشد. با توجه به نتایج بدست آمده برای متغیر رشد در جدول ۲، ضریب نرخ رشد شرکت برای سال ۱۳۷۹ و سال ۱۳۸۰، مثبت است، همچنین سطح معناداری برای سال ۱۳۷۹ برابر ۰/۰۳۱ و برای سال ۱۳۸۰ برابر ۰/۰۰۳ می‌باشد بنابراین رابطه مثبت معنادار بین متغیر نرخ رشد شرکت و ارقام تعهدی اختیاری در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود و می‌توان گفت که با کاهش نرخ رشد شرکت، شرکت‌ها در سال قبل از کاهش نرخ مالیات، ارقام تعهدی اختیاری خود را برای کاهش سود، کاهش می‌دهند این در حالی است که برای سال ۱۳۸۱ رابطه معناداری بین ارقام تعهدی اختیاری و نرخ رشد شرکت وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه پنجم

پنجمین فرضیه تحقیق، در ارتباط با تعیین رابطه بین نوع مالکیت شرکت و استفاده از روش‌های کاهنده سود، در سال قبل از کاهش نرخ مالیات توسط شرکت‌ها می‌باشد. با توجه به اطلاعات بدست آمده از جدول ۲، سطح معناداری سال ۱۳۷۹ معادل ۰/۰۹۳ است، بنابراین رابطه معناداری بین این متغیر و ارقام تعهدی اختیاری وجود ندارد. لذا؛ این فرضیه معنادار نبوده و مورد تأیید قرار نمی‌گیرد؛ به عبارتی بین ارقام تعهدی اختیاری و نوع مالکیت شرکت (دولتی یا خصوصی) در سال قبل از کاهش نرخ مالیات رابطه معناداری وجود ندارد و نوع مالکیت شرکت تأثیری بر ارقام تعهدی اختیاری در سال قبل از کاهش نرخ مالیات ندارد.

نتیجه‌گیری

سود گزارش شده در صورت‌های مالی، از جمله اطلاعات مالی بااهمیتی است که در هنگام تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مالی توسط افراد مختلف در نظر گرفته می‌شود، بطوریکه تحلیل‌گران از سود گزارش شده برای بررسی‌ها و قضاوت‌های خود استفاده می‌کنند. با توجه به اهمیت سود و محتوای اطلاعاتی بالایی که سود دارد و همچنین با توجه به اینکه محاسبه سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری است و

تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری است، مدیران شرکت‌ها همواره تلاش می‌کنند در راستای اهداف خاصی که دنبال می‌کنند مبلغ سود گزارش شده در صورت‌های مالی را دستکاری نمایند یا به عبارتی دیگر؛ مدیران شرکت سعی در مدیریت سود برای تحقق اهداف خود دارند از جمله عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود، نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌هاست این تحقیق، به بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود، با توجه به اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰ می‌پردازد.

یافته‌های این تحقیق نشان داد، شرکت‌ها برای کاهش هزینه‌های مالیاتی خود و انتقال آن به سال‌های با نرخ مالیاتی پایین، قبل از کاهش نرخ مالیات به مدیریت سود کاهشی پرداختند. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین اندازه شرکت و ارقام تعهدی اختیاری قبل از کاهش نرخ مالیات رابطه معناداری وجود ندارد. شرکت‌های با اهرم مالی بالا برای رعایت شروط قراردادهای تأمین مالی و راضی نگه داشتن اعتباردهندگان نسبت به شرکت‌های با اهرم مالی پایین در سال قبل از کاهش نرخ مالیات کمتر به مدیریت سود کاهشی پرداختند. همچنین شرکت‌های با نرخ رشد بالا برای ادامه روند رشد خود در سال قبل از کاهش نرخ مالیات، مدیریت سود کاهشی را انجام ندادند. با توجه به یافته‌های تحقیق بین نوع مالکیت شرکت و مدیریت سود در سال قبل از کاهش نرخ مالیات رابطه معناداری یافت نشد، به عبارتی نوع مالکیت شرکت تاثیری بر کاهش ارقام تعهدی اختیاری در سال قبل از کاهش نرخ مالیات ندارد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------|--------------------------|
| 1. Healy & wahlen | 5. Guan & Pourjala |
| 2. Phillips et al. | 6. Jones model |
| 3. Dhaliwal et al. | 7. Modified Jones Model |
| 4. Yamashita et al. | 8. Dechow & Dichev Model |

منابع

- اسدی، غلامحسین و منتی منجق تپه، وحید. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر تغییر مدیریت بر مدیریت سود. چشم‌انداز مدیریت مالی و حسابداری، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۹۷-۱۱۴.
- پورحیدری، امید و همتی، داود. (۱۳۸۳). بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۶، صص ۴۷-۶۴.

- دوانی، غلامحسین و خالدی زاده، خاطره. (۱۳۸۶). مجموعه قوانین مالیات‌های مستقیم (چاپ پنجم). تهران: کیومرث.
- رحمانی، علی (۱۳۸۹). کمیته حسابرسی و مدیریت سود. نشریه بورس، شماره ۹۲، صص ۱۹-۲۳.
- گرامی، مریم. (۱۳۸۴). بررسی نرخ‌های مالیاتی در برخی از کشورها و مقایسه آن با ایران. نشریه اقتصاد، شماره ۴۳، صص ۳۲-۴۴.
- مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه و کرمی، غلامرضا. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۴، صص ۶۱-۷۴.
- نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر و نیک‌بخت، محمدرضا. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره دوم، صص ۱۶۶-۱۷۵.
- Dechow, P. M. & Dichev, I. D. (2002). The Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*. Vol. 77, pp.35-59.
- Dechow, p., Sloan, R. & Sweeny, A. (1994). Detecting Earning Management. *The Accounting Review*. Vol. 70, pp.193-225.
- Guan, L. & Pourjalali, H. (2001). Effect of Cultural Environment and Accounting Regulation On Earning Management: A Multiple Year-Country Analysis. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics research*. 32, pp.79-96.
- Guenther, D. A. (1994). Earnings Management in Response to Corporate Tax Rate Changes: Evidence from the 1986 Tax Reform Act. *The Accounting Review*. Vol. 69, No. 1, pp.230-243.
- Healy, P. & wahlen, J. (1999). A Review of the Earnings Management Literature and its Implications for Standard Setting. *Accounting Horizons*. Vol. 13, No. 4., pp.365-383.
- Jones, J. (1991). Earning Management during Import Relief Investigation. *Journal of Accounting Research*. Vol.29, No. 2,

pp.193-228.

- Phillips, J., Pincus, M. & Rego, S. O. (2002). Earnings Management: New Evidence Based on Deferred Tax Expense. *The Accounting Review*. Vol. 78, pp.491-521.
- Scott, w. R. (2003). Book Financial Accounting Theory. Prentice Hall, chapter 11, pp.343-352.
- Suwardi, E. (2013). Income Tax Rate and Earnings Management of Firms Listed On the Indonesian Stock Exchange. *Journal of Business and Policy Research*. Vol. 8, No. 1, pp.78-89.
- Yamashita, h. & otogawa, k. (2007). Do Japanese Firms Manage Earnings in Response to Tax Rate Reduction in the Late 1990s? .MS-07-01.
- Watts, R. L. & Zimmerman, J. L. (1978). Towards a Positive Theory of the Determination of Accounting Standards. *The Accounting Review*. Vol. 53, pp.112-134.